

روی ادبیات امنیتی و اطلاعاتی باز کرده است

# را متحیر می‌کند



■ میثم رشیدی مهرآبادی:

نوشتن چنین داستانی در ۷۰ سالگی  
تحسین برانگیز است

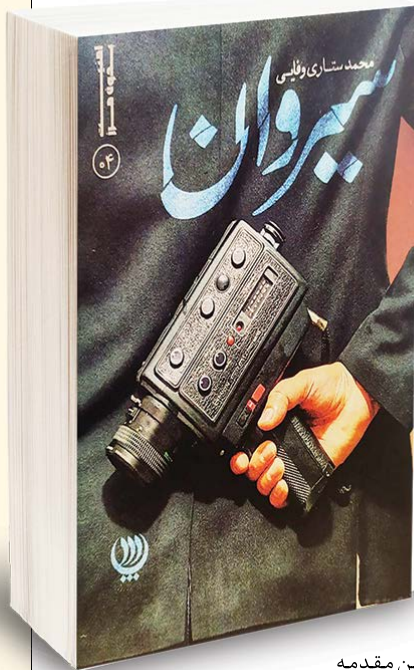
میثم رشیدی مهرآبادی، منتقد ادبی در بخش اول نقد خود به نکات مثبت و امتیازهای این داستان پرداخت و بیان کرد: این کتاب قبل از این که نقد شود، باید به خوبی معرفی شود. انتشارات سپاس در پنج ماهی که از رونمایی کتاب می‌گذرد در راستای معرفی رمان باید گام‌های بهتر و بیشتری برمی‌داشت و امیدوارم این نشست باعث شود این داستان امنیتی و اطلاعاتی بهتر معرفی شود. پس ابتدا در معرفی این داستان بلند باید بگویم با یک شخصیتی هنرمند در داستان روبه‌رو هستیم که در کشور آلمان مشغول فیلمسازی در حوزه تبلیغات است. به طور اتفاقی با خانمی به نام «لیلا» آشنا و در جریان قتل این زن، وارد ماجراهای عجیب و غریب دیگری می‌شود.

وی در توضیح ویژگی‌های متفاوت این رمان با سایر داستان‌های حوزه امنیتی گفت: در دهه ۹۰، داستان‌های زیادی در حوزه داستان امنیتی مخصوصا به قلم نویسندگان جوان داشتیم که دویزدگی داشتند که این ویژگی‌ها در داستان سیروان وجود ندارد؛ یکی این که آن نویسندگان صرفا در جریان پرونده‌های امنیتی قرار می‌گرفتند و تجربه‌ای در این زمینه نداشتند اما جناب ستاری وفایی تجارب بسیار ارزشمندی در این حوزه دارد. نکته بعد این است که آن داستان‌ها برای جذابیت بیشتر، تمرکز ویژه‌ای بر روابط بین آقایان و خانم‌ها داشتند و روی

قوای شهوانی تمرکز می‌کردند؛ ولی نویسنده این اثر در این زمینه مثل ماجرای شخصیت لیلا، فاصله‌ایم را رعایت کرده است و ورود شخصیت‌های دیگر نیز به داستان هوشمندانه و حساب شده است.

چند مورد دیگر هم درباره نکات مثبت کتاب بیان می‌کنم از جمله این که: فکر می‌کنم آقای وفایی در ۷۰ سالگی این کتاب را نوشته‌اند و نوشتن چنین کتابی در این سن و سال دارای مزیت بوده و تحسین برانگیز است. نکته بعد این که شخصیت‌های زیاد در داستان گم نمی‌شوند و نویسنده، را کورد این شخصیت‌ها را در طول داستان به خوبی رعایت کرده است. به نظر من سیروان، بستری است که نویسندگان جوان می‌توانند از دل آن چندین داستان دیگر بنویسند؛ زیرا نویسنده اثر، راه اطلاعاتی را برای آنها باز کرده است. ویراستاری کار و طرح جلد کتاب هم خوب است و جا دارد از زحمات آقای قادری و خانم بیات در این زمینه تشکر کنیم. در نگاه اول می‌شود فهمید با کتاب محترمی روبه‌رو هستیم.

میثم رشیدی در ادامه نشست، درباره سیر داستانی کتاب گفت: یکی از نکات مهم که در نگارش داستان به هنرچوها می‌گوئیم، خلق «آغاز جذاب» برای داستان است. این ممکن است محدود به فصل اول یا صفحه اول شود و حتی در مدل سختگیرانه‌اش باید پاراگراف و جمله اول داستان آنچنان جذاب باشد که قلابش را به ذهن مخاطب بیندازد و او را همراه کند. نکته‌ای که در این باره در داستان سیروان وجود دارد، این است که با یک مقدمه سخت خوان شروع می‌شود. کاش



این مقدمه

به عنوان مؤخره و در

انتهای کتاب می‌آمد اما فصل اول کتاب دو نکته قابل توجه هم دارد: این که داستان با یک اتفاق گیرا و جذاب آغاز می‌شود و شخصیت‌ها به خوبی در همان ابتدا معرفی می‌شوند.

میثم رشیدی در بخش پایانی صحبت خود به «ای‌کاش»‌های اثر هم اشاره و بیان کرد: در کنار نکات مثبت، خوب است که «ای‌کاش»‌ها را هم مطرح کنیم. چند مورد را گلچین کرده‌ام که به آن می‌پردازم.

در کتاب سیروان از زاویه دید اول شخص استفاده شده است که اگر «سوم شخص» بود فضا و امکانات بیشتری برای نویسنده فراهم و محدودیت روایت کمتر می‌شد. نویسنده متناسب با سن و سال و تجربیاتش توضیحات زیادی می‌گوید که لذت کشف را از مخاطب می‌گیرد. فصل‌ها در این کتاب می‌توانست عنوان داشته باشند.

مقدمه کتاب، عرفانی و معرفتی است و اگر در آخر کتاب می‌آمد، بهتر بود. اوایل کتاب تعدادی باورقی می‌بینیم که به نظرم حضور آنها واجب نیست؛ مثل توضیح درباره نوع هواپیمای فالکن. نویسنده از کنار بعضی وقایع زود گذشته در صورتی که مخاطب منتظر توصیف بیشتری است. به طور کل، در ویرایش بعدی کتاب می‌شود حدود یک چهارم از حجم داستان را کم کرد که بر قیمت تمام شده کتاب هم مؤثر است و خرید آن را برای مخاطبان راحت‌تر می‌کند.



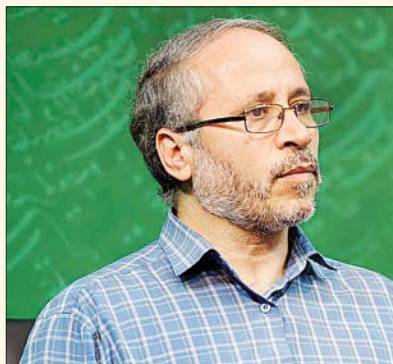
دکتر جواد کامور بخشایش:

## در ادبیات داستانی به فضای امنیتی کم‌توجه بوده‌ایم

دکتر جواد کامور بخشایش، که سال‌هاست در حوزه تاریخ شفاهی و روایت فعالیت می‌کند، مشاور تألیف این اثر نیز بوده است. وی همچنین ناظر کیفی بسیاری از کتاب‌هایی است که در انتشارات سپاس منتشر می‌شود.

او در بخش‌هایی از این نشست درباره داستان و درونمایه آن گفت: این کتاب اتفاق مبارکی است. درباره پیشینه‌اش باید بگویم که من به دو مسأله در کتاب پی برده‌ام؛ یکی نبوغ نویسنده که احساس کردم باید این فرد در حوزه نویسندگی نایغه باشد که یک رمان مستند نوشته است و نکته دوم، نبوغ یک فرد اطلاعاتی است که در واویه و او وسط به سطر کتاب می‌بینیم و تمام انرژی خود را گذاشته است تا اهداف مدنظر سازمانش را برآورده کند.

نوع برخورد‌های انسانی هم در این اثر جالب توجه بود. همان‌طور که اشاره شد، می‌توان از این کتاب داستان‌های دیگری نوشت اما علاوه بر داستان، می‌توان از دل این اثر ده‌ها فیلم خوب درآورد که در سطح دنیا نشان داده شود.



به طور کل، انجمن پیشکسوتان سپاس، تلاش دارند موضوعات مغفول مانده اطلاعاتی را به جامعه نشان دهند.

جواد کامور بخشایش درخصوص این که چنین رمان‌هایی با این سبک قبل از انقلاب گیرا تر بودند یا اکنون جذاب‌تر شده‌اند، بیان کرد: ماقبل از انقلاب رمان امنیتی کمی داشتیم و بیشتر سیاسی بودند اما بعد از انقلاب با فضاهای جدیدتری روبه‌رو هستیم.

وقتی رمان سیروان را مطالعه می‌کردم، حس نمی‌کردم که نویسنده رمان نوشته است؛ زیرا انگار خواسته است در قالب یک ادبیات خوب، تجربه‌هایش را بگوید. استنادی در متن وجود دارد که از زمان و تخیل آن فاصله می‌گیرد، البته این بد نیست. ما باید راهی برای تبیین این‌گونه مسائل و رشادت‌هایی که در این زمینه انجام شده، باز کنیم.

ادبیات می‌تواند از منظر آگاهی بخشی خیلی به جامعه امروز کمک کند. این اتفاق تازه‌ای در مطالعات ادبیات داستانی است که ما وارد فضای رمان امنیتی شویم؛ چیزی که به آن کم‌توجه کرده بودیم. ■